

مطبوعات غالب صدی

۱۵/۵۰ ... روپے	۱- خطوط غالب (جلد اول)
۱۵/۵۰ ...	۲- خطوط غالب (جلد دوم)
۹/۰۰ ...	۳- مہر لیروز
۳/۰۰ ...	۴- دستنبو
۱/۷۵ ...	۵- قادر نامہ
۲۷/۵۰ ...	۶- قصائد و مشوئیات غالب (فارسی)
۸/۵۰ ...	۷- سید چین
۱۸/۰۰ ...	۸- اشارہ غالب
۱۲/۰۰ ...	۹- درفش کاویانی
۱۳/۰۰ ...	۱۰- قطعات و رباعیات ، ترکیب بند ، ترجیع بند و مخمس غالب
۱۶/۰۰ ...	۱۱- دیوان غالب (اردو)
۷/۰۰ ...	۱۲- غالب ذاتی تاثرات کے آئینے میں
۲۹/۵۰ ...	۱۳- پنج آہنگ
۱۱/۵۰ ...	۱۴- افادات غالب
۱۲/۵۰ ...	۱۵- غزلیات غالب (فارسی)
۱۹/۰۰ ...	۱۶- تنقید غالب کے سو سال
۲۰/۰۰ ...	۱۷- غالب کریٹیکل انٹروڈکشن (بہ زبان انگریزی)
۱۰/۵۰ ...	غیر مجلد
۲۰/۰۰ ...	مجلد

ملنے کا ہتہ : پنجاب یونیورسٹی سٹیلز ڈپو (اولڈ کیمپس) لاہور

دکتر آفتاب اصغر*

نگاهی به سالهای گذشته و حال و استقبال

علم هیئت یا علم نجوم یا ستاره شناسی علمی را میگویند که دربارهٔ ستارگان و سیارگان بحث میکند. تاریخ این علم بقدری قدیم است که خود تاریخ نوع بشر زیر همینکه بشر چشم بجهان گشود بیش از همه به زمین و آسمان، خورشید و ماه، ستارگان و سیارگان، رابطهٔ مرموز و اسرار آمیز آنها با همدیگر و فاصلهٔ آنها از یکدیگر، منظرهٔ طلوع و افول و حرکات و سکناات، تغییرات و تبدلات و تأثیرات اجرام فلکی در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی بشر عطف توجه نمود و هر قدر بیشتر به بروج و کرات و منظومهٔ شمسی چشم دوخت هانقدر بیشتر این دانش را اندوخت. باگذشت زمان در اطراف و اکناف جهان دانشمندان بنام و گاهی گمنام بظهور رسیدند که در نتیجهٔ مطالعات و تجربیات و مشاهدات پی گیر خود علم هیئت را باوج اعتلا رسانیدند. این قبیل دانشمندان و دانش پژوهان را منجهان یا ستاره شناسان میگویند. اینها بودند که مصطلحات مربوط را وضع و اصول و قواعد این علم را پایه گذاری نمودند.

یکی از شاخه های مهم علم هیئت «گاه شماری»^۱ میباشد که باصطلاح قدیم عربی آن را معرفت الموایت میگویند یا گاهی کلمهٔ تاریخ را نیز باین مفهوم بکار میبردند. منظور از گاه شماری یا وقت شماری منحصراً طریقه یا روش حساب زمان است در صورتیکه مفهوم تاریخ در موارد مختلف فرق میکند مثلاً فردوسی این کلمه را بمفهوم رقمی که زمان را ظاهر سازد یا زمان وقوع واقعه ای را نشان دهد بکار برده است. چنانکه در بیت زیر میگوید:

نیشته بر آن حقه تاریخ آن پدیدار کرده پی و بیخ آن
و سعدی آن را بمعنای زمان و عصر اینطور آورده است:

هم از بخت فرخنده فرجام تست
که تاریخ سعدی در ایام تست

*دانش یار گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان.

۱- اصطلاح جدیدی است که آقای حسن تقی زاده مؤلف «گاه شماری در ایران قدیم» بجای اصطلاح قدیم عربی «معرفت الموایت» و برای روش حساب زمان بکار برده است.

گاهی «تاریخ بمعنی توقیت است»^۱ و گاهی لفظی یا مصراع‌ی را که بحسب حروف مکتوبه از روی حساب جمل موافق تاریخ هجری از آن باشد میگویند چنانکه قاسم گاهی بمناسبت مرگ هایون بن بابر که در سال ۵۹۶۳ در نتیجه افتادن از بام واقع شد، میگوید:

پی تاریخ او کاهی رقم زد «هایون پادشه از بام افتاد»^۲

طبق معروفترین و رایجترین مفهوم تاریخ کتابی را میگویند که در آن پیشامدها و وقایع مهم و رویداد های بزرگی را که در یک مدت معین اتفاق افتاده باشد با رعایت ترتیب تاریخی شرح میدهند. با در نظر داشتن مفاهیم گوناگون کلمه تاریخ و برای اجتناب از التباس برای ادای مفهوم «روش حساب زمان» اصطلاح «گاه‌شمار» بر کلمه «تاریخ» که آن نیز گاهی بهمان مفهوم بکار میرود، نزد راقم این سطور رجحان دارد.

رعایت ترتیب فقط در صورتی ممکن است که مبدأ تاریخ در دست باشد. مبدأ تاریخ که بانگلیسی آنرا (Era) یا (Calendar) میگویند در گاه‌شمار اهمیت اساسی را داراست زیرا بدون در دست داشتن آن امکان ندارد که حساب درست زمان و محاسبه دقیق نجومی بدست بیاید. در فارسی برای مبدأ تاریخ اصطلاحاتی مثل «سن» که اصلاً عربی است و «سال» بکار میرود. اگرچه در فارسی کلمه سال بمعنای کلمه انگلیسی (Year) هم مستعمل است ولی در مقاله حاضر در اغلب موارد این کلمه بمفهوم (Era) یا (Calendar) بکار رفته است.

در ازمنه قدیم آفرینش کائنات یا پیدایش بشر یا طوفان نوح^۳ و غیره را مبدأ تاریخ جهان قرار میدادند ولی خود این پیشامدها کی اتفاق افتاد هیچکس یا هیچ ملت بدرستی نمیدانست. اگر بگوییم که در حال حاضر نیز، در حالیکه دانش بشری فوق العاده پیشرفت نموده است، هیچکس درباره وقوع این قبیل اتفاقات مهم تاریخ بشر دقیقاً نمیداند، غلط نباشد. اطلاعات انسان درباره جهان باستان بعلت نداشتن مبدأ دقیق تاریخ انسانی بسیار ناقص و از بعضی جهات باور نکردنی است. اقوام و ملل مختلف جهان از قبیل یهود و هندو و مسیحیان و مجوسیان و مسلمانان درباره آغاز جهان و اوضاع و احوال قرون پیشین بطور دقیق چیزی نمیدانند و هر چه میدانند ممزوجی از حقیقت و افسانه بیش نیست. این دوره را دوره قبل از تاریخ (Pre-historic age) مینامند.

از میان ملل قدیم جهان ملتهای مهمی که با ستاره شناسی و گاه‌شمار و زیج بندی

۱- رک: لغت نامه دهخدا، ص ۱۳۸ -

۲- رک: صباح الدین عبدالرحمن، بزم تیموریه، ص ۴۲ -

و تقویم سازی علامه مفراطی داشتند آشوریان^۱ و بابلیان^۲ و مصریان و چینیان و یونانیان و رومیان بودند. علاوه بر آنها ایرانیان و هندیان نیز با این علوم علاقه شدیدی داشتند. سندهای نامبرده سالهای مخصوص بخود داشتند. در اینجا، باستثنای ایرانیان و هندیان که در صفحات آینده در محل مخصوص خود معرفی از گاه شماری آنها بعمل می آید، اشاره مختصری به کیفیت وقت شماری ملل کهن که نمونه و سرمشقی برای اقوام بعدی بوده است، میکنیم:

سال بابلی: هزاران سال پیش از میلاد در میان بابلی ها رواج داشت. چنانکه از کتیبه های مربوط به سه هزار سال پیش از میلاد مسیح بر می آید سال بابلی در ابتدا قمری بود و بابلی ها ماه را از یک رویت هلال تا رویت آینده حساب میکردند ولی بعد ها برای ثابت گردانیدن تواریخ جشنها و اعیاد خود کبیسه^۳ ایجاد نمودند و سال قمری را مبدل به سال قمری شمسی گردانیدند. این سال از فصل پاییز شروع میشد. ماه های آن متوالیاً ۳ و ۲۹ روزه بود با یک ماه اضافی. کبیسه در هر دو یا سه سال یکبار در آخر تابستان جا داشت.

سال آشوری: آشوری ها در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد یا شاید کمی دیرتر سال خود را از گاه شماری بابلی اخذ نمودند. آشوری ها خودشان هم دارای تمدن درخشانی بودند و سال و مه خاص خودشان هم داشتند. سال آنها در بدو امر بی کبیسه و شامل هفتاد و دو هفته پنج روزه یعنی ۳۶۰ روزه بود ولی بعد ها تحت تأثیر گاه شماری بابلی سالهای آنها مشخصات اصیل خود را از دست داد.

سال مصری: سال مصر قدیم در واقعه سالی بوده است که یکی از پادشاهان بابلی بنام بخت نصر اول پس از تسخیر مصر آنها در مصر رواج داد. ابتدای آن از روز جلوس او بر تخت سلطنت است. تعداد روزهای تمام ماه های این سال سی روزه بوده و خمسة مستترقه^۴ به آخرین ماه افزوده میشد. ابوالفضل این سال را تاریخ بخت نصر

۱- سلسله با شکوه پادشاهان سامی نژاد نینوا که توسط کیاکسار، پادشاه مادی ایران، در سال ۶۰۶ ق م منقرض گردید.

۲- سلسله بابلیان در نتیجه فتح بابل بدست کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ ق م پایان یافت.

۳- سالی را میگویند که هر چهار سال یک بار طبق قاعده نجومی یکروز بماه آخر آن اضافه میکنند.

۴- در قدیم ماه را سی روز میگرفتند و پنج روز دیگر را که بماه آخر سال اضافه میکردند خمسة مستترقه یا پنجه دزدیده میگفتند.

نامیده و درباره اش گفته است :

«از فرماندهی خویش تازه تاریخی در میان آورده . سال شمسی اصطلاحی - سیصد و شصت و پنج روزی کسر و ماه نیز بدانسان و پنج روز در آخر سال افزایند و بطلموس در محسوطی حرکت سیاره را برین تاریخ نهاده . دو هزار و سیصد و چهل و یک سال ازو سپری شده».

قبل از حمله بخت نصر اول به مصر احتمال می‌رود که در مصر سال بومی یعنی سال قبطی رواج داشته است . ابوالفضل درباره این سال تحت عنوان جداگانه چنین می‌نویسد :

«سر آغاز از پیشین هنگام . بتانی گوید سال شمسی اصطلاحی ، سیصد و شصت و پنج روز بی کسر - زیج سلطانی چنان سرایید سال و ماه او بسان رومی است و همچنان کبائس دارد لیکن کبیسه قبطی بشش ماه پیشی گیرد از کبیسه رومی»^۲.

سال چینی یا مغولی : از قدیم‌ترین سنین جهان یکی سال چین است که در ازمنه قدیم در میان مردم چین و اهالی خطا و قبیاق و ایغور و منگولستان و ترکستان و باحتال قوی در میان اقوام زرد پوست رواج داشته است. آنرا سال خطائی ، سال ترکی ، سال مغولی و سال ایغوری نیز می‌گویند. در این تقویم اساسی بروج دوازده گانه فلک و ماه ها مطابق با اسامی حیوانات بوده است. یکی از شعرای قدیم این اسامی بروج و ماه ها را چنین ضبط نموده است :

«موش و بقر و پلنگ و خرگوش شایر
زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار
آنگاه باسب و گوسفند است حساب
حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخرکار»^۳

در میان ترکان آسیای مرکزی این تقویم از قدیم الایام معمول و مرسوم بوده است. محتملاً ترکها و منگولها آنرا از چینی ها که یکی از ملل بسیار متمدن و با فرهنگ جهان باستان و با آنها همجوار بودند ، اخذ نمودند - این تقویم پس از حمله چنگیز خان به ایران (۶۱۶ هـ) و استقرار سلسله ایلخانیان یا سلسله مغول در ایران شیوع پیدا کرد چنانکه در تواریخ دوره مغول مانند تاریخ جهانگشا ، تاریخ و صاف ، تاریخ رشیدی و

۱- رک : ابوالفضل ، آئین اکبری ، ج ۱ ، ص ۲۷۴

۲- رک : ایضاً.

۳- رک : سید حسن تقی زاده ، گاه شاری در ایران قدیم ، ص ۲.

امثال آنها میتوان این سال را پهلوی به عربی مشاهده کرد.

سالهای آن شمسی حقیقی^۱ و ماههای آن قمری حقیقی^۲، بود عدد روزهای ماه در نزد آنان ۲۹ یا ۳۰ روز بود. سال طبق ارسطو^۳ ۳۶۵ روز بود و آن را به ۲۴ بخش مساوی قسمت میکردند. مبدای تاریخ خویش را ابتدای آفرینش جهان قرار میدادند و بعقیده شان در سال ۶۶۰ یزدجردی از آفرینش کائنات ۹۹۶۵ سال سپری شده بود.

سال اسکندری: پیش از رواج یافتن سال مسیحی چه در غرب و چه در شرق معروفترین سالهای جهان بوده است. مبدأ آن روز دو شنبه دوازدهمین سال شمسی پس از وفات اسکندر بزرگ^۴ بود. بعضی ها اختراع این سال را به سیلوکس^۵ که یکی از سرداران معروف اسکندر بود، نسبت میدهند. وقتی پس از انقراض یونانیها در مصر و شام و مستعمرات شرقی یونانیها رومیها روی کار آمدند و در اوائل همین سال را اتخاذ نمودند بنام سال رومی^۶ معروف گردید. این سال ۳۱۲ سال مقدم بر سال مسیحی یا میلادی است. بین این سال و سال سریانی اختلافی نیست مگر در اسامی ماهها. چهار ماه آن یعنی تشرین اول، کانون اول، کانون آخر، آذار، ایار، کموز و آب می و یک روزی است. در هر چهار سال یک بار یک روز کبیسه را در آخر شباط می افزایند تا ۲۹ روزه بشود و آن سال را سال کبیسه ای می نامند.

محمّل است که چندی بعد از انقراض هخامنشیان بدست اسکندر بزرگ در سال ۳۳۱ ق م و دوره سیلوکیان (۳۱۲ — ۲۴۷ ق م) و عهد اشکانیان (۲۴۷ ق م — ۲۲۴ م) که یونانی مآب بودند، همزمان با سال ایرانی در سراسر ایران سال اسکندری نیز رایج شده بود.

ناگفته نماند که حمله اسکندر به شبه قاره هند و پاکستان نیز در گاه شماری جدید

- ۱- حساب زمانی که باعتبار حرکت زمین بدور خورشید (شمس) حاصل آید و مدت سال شمسی حقیقی ۳۶۵ روز و پنج ساعت و کسری است.
- ۲- ماه قمری حقیقی عبارت است از زمان جدائی ماه از خورشید و مدار آن بر حرکت تقویمی مخصوص بماه است و مدت سال قمری حقیقی سیصد و پنجاه و چهار روز است.
- ۳- اسکندر مقدونی پسر فیلقوس که در سال ۳۳۱ ق م در جنگ اربل با شکست دادن داریوش سوم سلسله هخامنشیان ایرانی را خاتمه داد.
- ۴- پس از وفات اسکندر قسمت اعظم ممالک مفتوحه او مانند مستملکات شبه قاره هند و پاکستان، افغانستان، ایران و قسمتی از خاور میانه بدست سردار معروف او بنام سیلوکس افتاد که در ۳۱۲ ق م سلسله سیلوکیان را تأسیس نمود.
- ۵- این سال بنام پدر اسکندر بنام سال فیلقوس نیز معروف بوده است.

آن اهمیت شایانی دارد زیرا دوره تاریخی این سر زمین از حمله اسکندر (۳۲۶ ق م) شروع میشود.

سالهای مذهبی: معروفترین سالها سالهای هستند که جنبه مذهبی دارند و بعثت منسوب بودن با پیغمبران خدا در میان پیروانشان محبوبیت فوق العاده دارند. این قبیل سالها بترتیب عبارتند از سال موسوی، سال عیسوی و سال محمدی.

سال موسوی: این سال که بنام سال یهودی ها و سال کلیمی ها نیز معروف است در میان جهود ها یا پیروان حضرت موسی (ع) معمول بوده است و الان هم هست. کلیمی ها در طی قرون و اعصار گذشته مبدأ تاریخ را همیشه عوض میکردند. گاهی خروج از مصر، گاهی اسارت در بابل (۵۹۷ ق م) و گاهی تأسیس هیکل سلطانی در بیت المقدس (۵۰۸ ق م) را مبدأ تاریخ خود قرار میداده اند ولی پس از قرن یازدهم آغاز آفرینش را مبدأ تاریخ خود قرار دادند. گمان میبرند که بین هبوط آدم^۴ و نجات آنها از فرعون مصر ۲۴۴۸ و بین موسی (ع) و اسکندر مقدونی ... سال فاصله است. البته نظر آنها درباره آغاز آفرینش جهان با سایر ملل دیگر مانند هندی ها و ایرانیها و اشال آنها فرق میکند. سال شمسی را با ماه های قمری بکار میبردند و در بعضی سالها ماه زائدی را کبیسه میگرفتند تا روزهای جشن و عبادات ملی آنها تغییر نکند. در نوزده سال هفت ماه قمری را کبیسه میگرفتند و برخلاف عربها که ماه زائد را بر تمام سال می افزودند یهودی ها همیشه ماه ششم سال خود یعنی آذر را برای این منظور بکار میبردند.

مؤلف آئین اکبری درباره سال موسوی چنین مینویسد:

«گویند سکندر فیلقوس چون از یونان بگشایش فارس میرفت [اورا] بر بیت المقدس گذار افتاد. دانشوران یهود شام را طلب داشته فرمود تاریخ موسی بر انداخته از زمان ما گیرند، پاسخ دادند پیشینیان نگهداشت یک تاریخ زیاد از هزار سال نکرده اند و امسال تاریخ ما بهزار میرسد. از سال آینده فرمایش کار بسته آید و چنان کردند و آن بیست و هفت سال از عمر اسکندر بود. برخی بر آنند که تاریخ در روم عبرانی است. کوشیار در زیج جامع گوید تاریخ رومی و سریانی دگرگونی ندارد مگر نامها!».

سال عیسوی: که با نام سال مسیحی، سال میلادی و سال نصرانی نیز معروف است^۲ سال مخصوص پیروان حضرت عیسی علیه السلام است. مبدأ آن میلاد مسیح (ع)

۱- رک: ابوالفضل علامی، آئین اکبری، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- این سال در حال حاضر بنام دو نفر از اصلاح کنندگان آن یعنی ژولین (Julian)

است و امروز از آغاز آن تقریباً ۱۹۸۰ سال گذشته است. این تاریخ در سال ۸۰۰ میلادی بوسیله شارلن، پادشاه معروف فرانسه، تاریخ رسمی فرانسویان و بعدها بتدریج مبدأ تاریخ همه مسیحیان جهان قرار گرفت. این سال دوازده ماه دارد که بعضی ماه ها ۳۰ روزه و بعضی ها ۳۱ روزه میباشد باستثنای فوریه که ۲۸ روزه و در سال کبیسه که هر چهار سال یکبار تکرار میشود ۲۹ روزه بشمار میرود.

سال محمدی: مانند سایر پیروان ادیان مختلف جهان از قبیل یهود و هند و مسیحیان و مجوسیان، مسلمانان نیز سال مخصوص بخود دارند که غیر مسلمانان آنرا سال محمدی (Mohammadan Calender) و مسلمانان سال هجری قمری میگویند. علت تسمیه این سال اینست که واقعه بزرگ تاریخ مسلمانان یعنی هجرت پیغمبر^ص از مکه مکرمه به مدینه طیبه در روز جمعه ۱۲ ژوئیه ۶۲۲ میلادی سر آغاز تاریخ مسلمانان قرار داده شده است. این سال بنام سال اسلامی، سال مسلمانان و سال هلالی نیز معروف است.

در عربستان پیش از ظهور اسلام سالهایی چون سال بنای کعبه یا سال حمله اسحاب فیل به مکه و امثال آنها رواج داشتند. در کشورهای همجوار مانند روم شرقی (مصر و شام و فلسطین) و ایران نیز سالهایی چون سال قبطی، سال رومی، سال یهودی، سال مسیحی و سال زردشتی متداول بودند. مسلمانان عرب که بساط فرهنگ و تمدن فرسوده و از کار افتاده روم و ایران را بر چیده و بساطی تازه گسترانیده بودند هیچیک از سالهای متداول را انتخاب ننمودند و سالی نو برقرار نمودند و در سال هفدهم هجری در دوره خلافت حضرت عمر^{رض} اول محرم سالی را که پیغمبر اکرم^ص بدستور خداوندی از مکه به مدینه مهاجرت فرمودند مبدأ تاریخ اسلامی قرار دادند.

ماه های این سال قمری حقیقی بود و آغاز هر ماه بستگی به رویت هلال داشت. هر سال در آن مطابق با بروج دوازده گانه مشتمل بر دوازده ماه بود و هیچیک از ماه های آن بیشتر از ۳۰ و کمتر از ۲۹ روز نداشت. همینطور مانند سالهای رومیان و مجوسیان مکبوس هم نبود.

(بقیه صفحه پیشین)

و گرگوری (Gregory) بنام سال ژولی و سال گرگوری نیز معروف است و در قدیم بنام قیصره مسیحی مذهب رومی بنام سال اگوستوس (Augustus) که تولد حضرت عیسی^ص ۴ در زمان او واقع گشت و سال انتونیوس (Antonius) و سال دقلتیانوس (دقیانوس) نیز اشتها داشت و از سالهای جلوس پادشاهان نامبرده شروع میشده است. این سالها در واقع بشکل تغییر یافته و ترمیم شده سال اسکندری یا سال رومی بوده اند.

این سال در طول تاریخ چهارده قرن گذشته در تمام جهان اسلامی باستانی کشور هائی که بدبختانه در زمانهای مختلف تحت سلطهٔ فرنگیان در آمدند یا بمرض ناسیونالیسم مبتلا شدند بهمین شکل یا با تغییرات جزئی همیشه متداول بوده است. ماه های آن عبارتند از : محرم ، صفر ، ربیع الاول ، ربیع الثانی ، جادی الاول ، جادی الثانی ، رجب ، شعبان ، رمضان ، شوال ، ذیقعدہ ، ذیحجه.

مختصری دوبارهٔ گاه شاری ایران : مانند اغلب کشور های عظیم و قدیم گاه شاری در ایران نیز از ازمئهٔ بسیار قدیم وجود داشته است. بعلمت هم نژاد و همجوار بودن ایران و شبه قارهٔ هند و پاکستان گاه شاری آنها دارای بسیاری از مشخصات و مختصات مشترک بوده و همیشه از همدیگر کسب و اکتساب کرده است. با این مختصر به شرح مجملی از گاه شاری و سالهای ایران قدیم و جدید میپردازیم :

سال اوستائی قدیم : سالی است که در ایران باستان در میان قوم اوستائی^۱ رواج داشته است. این سال خیلی شبیه به سال قدیم هندی و یونانی بود و سال قمری شمسی بشمار میرفت یعنی قمری کیسه دار بود. اولین ماه در این سال ماه تیر بود که با اولین هلال بعد از انقلاب صیفی شروع میشد. در این سال حساب روی ۳۶۰ روز بود و در هر چند سال یک بار اضافهٔ کیسه ای با سال شمسی تطبیق میدادند. بعدها در موقع اتخاذ ترتیب گاه شاری مصری تعداد روز های سال را با اضافهٔ خمسۀ مسترقه یعنی پنج روز اضافی به ۳۶۵ روز مبدل ساختند.

سال پارسی قدیم : این سال احتمالاً مورد استفادهٔ مادها^۲ بود که با منقرض ساختن آشوری ها تمدن آنها را بارث بردند. پس از فتح نینوا ، پایتخت آشور ها ، و انقراض دولت آشور ها بدست مادها در سال ۶۱۲ ق م گاه شاری بابلی امکان دارد که گاه شاری ایران قدیم را تحت تأثیر قرار داده و غالباً در نتیجهٔ آمیزش و درهم آمیختگی فرهنگ ایران باستان با فرهنگ بابلی و آشوری مبدأ سال آنها از انقلاب صیفی بااعتدال خریفی مبدل شده باشد. ماه های سال پارسی قدیم نیز عیناً مطابق با ماه های بابلی بود البته اسامی ماه ها فرق میکرد.

سال اوستائی جدید : پس از تسخیر مصر بدست ایرانیان در عهد کمبوجیه

- ۱- منظور از قوم اوستائی ایرانیان دورهٔ پیش از اسلام اند که به پیغمبر بودن زرتشت ایمان داشتند و کتاب دینی او یعنی اوستا را کتاب الهامی میدانستند.
- ۲- مادها کسانی بودند که برهبری دیوکس در سال ۷۰۸ ق م در ایران نخستین سلسلهٔ پادشاهان آریائی را در مقابل پادشاهان سامی النسل آشوری و بابلی تشکیل دادند.

(۵۲۸-۵۲۳ ق م) و مخصوصاً در نتیجه اصلاحات کم نظیر داریوش بزرگ (۵۲۳-۴۸۶ ق م) گاه شماری ساده و مرتب مصریان توجه ایرانیان را بخود جلب نمود و سال مصری که خیلی نزدیک به سال شمسی حقیقی بود و نظر به ظاهر محتاج به کبیسه نبود آنرا بر سال خود که ثابت نبود بلکه سیار بود یا بعبارت دیگر ماه های آن بعد از هر دو سه سال از موقع اصلی خود شان جلوتر می افتاد ، ترجیح دادند . احتمال می رود که داریوش بزرگ این ترتیب گاه شماری را ، که از لحاظ محاسبات مصری و از لحاظ ماه و روز و جشنها و اعیاد مربوط به آنها زردشتی و از لحاظ آغاز سال و مختصات و مشخصات دیگر بابلی بود ، در قلمرو شاهنشاهی ایران که پنجاب و سند (پاکستان فعلی) نیز جزو آنها بودند ، برقرار ساخت.

سال اردشیری : اردشیر پاپکان ، مؤسس سلسله ساسانیان ، در آخر ماه مهر از سال ۲۲۴ میلادی ، با شکست دادن اردوان پنجم اشکانی سلسله با شکوه ساسانیان (۲۲۴-۲۳۷ ق م) را تأسیس نمود و تاریخ جدیدی را پایه گذاری کرد . از قرار معلوم سال اردشیری فرق چندانی با سال فرس قدیم نداشت مگر اینکه مبدأ آن روز جلوس یا روز پیروزی او بر اردوان بود . در تاریخ طبری نیز بآن اشاره شده است . اگرچه در عهد خسرو انوشیروان^۲ (۵۳۱-۵۷۹ ق م) تغییرات جزئی در آن بعمل آمده^۳ ولی احتمال می رود که در سراسر دوره ساسانیان تا روی کار آمدن مسلمانان در عهد خلافت حضرت عمر رضی در ایران معمول و متداول بوده است.

سال یزدگردی : از مهمترین سالهای ایران بعد از اسلام است که تاکنون مورد استفاده زرتشتیان ایران و شبه قاره هند و پاکستان است . این سال بنام آخرین پادشاه ساسانی یعنی یزدگرد سوم یا یزدگرد سوم معروف است که در سال ۶۵۲ میلادی یا ۳۲ هجری قمری بقتل رسید . مبدأ آن بعقیده بعضی سال جلوس او (۶۳۲ ق م) و بعقیده بعضی دیگر بیست سال بعد تر از سال قتل او (۶۵۲ ق م/۳۲ ه ق) بوده است.

روزهای ماه های آن سی روزه بود و بعد از صد و بیست سال یک ماه به آن اضافه میکردند و آن سال را سیزده ماهه بحساب میآوردند و آن ماه اضافی را بنام هان ماهی میخواندند که بر آن می افزودند . مبدأ سال همیشه ماهی بوده که بعد از

۱- رک : سید حسن تقی زاده ، گاه شماری در ایران قدیم ، ص ۲۱۸ .

۲- خسرو انوشیروان که بنام نوشیروان عادل معروف است ، ولادت با سعادت حضرت محمد^ص در زمان او اتفاق افتاد .

۳- رک : عمر بن ابراهیم خیام نیشاپوری ، نو روزنامه (چاپ طهوری) ، ص ۱۷ .

خمسۀ مسترقه واقع میشد و خمسۀ مسترقه را در سال کبیسه باآخر ماه زائد می افزودند تا ماه می و پنج روزه بشود. ابتدا این سال از روز شنبه بود که اولین روز سال یزدگردی بود و این تاریخ ۳۶۷۴ روز از مبدأ سال هجری مؤخرتر بود. اساسی ماه هایش بدینقرار بوده است :

فروردین ، اردیبهشت ، خرداد ، تیر ، مرداد ، شهریور ، مهر ، آبان ، آذر ، دی ، بهمن ، اسفند.

سال جلالی یا سال ملکشاهی : چون سال هجری قمری که بعد از انقراض سلسلۀ ساسانیان در سال ۶۳۷/۱۶۱ ق در سراسر ایران رایج شده بود سال سیاری بود و در آن روزهای جشن و عیدهای ملی بتدریج تغییر میکرد و نیز در اداره امور مالی مانند اخذ مالیات و خراج مشکلاتی ایجاد میشد ملک شاه سلجوق (۴۶۵-۴۸۵هـ) دستور داد سال را از اول تحویل شمس به برج حمل آغاز کنند تا نوروز که آغاز سال ایرانیان است در یک روز معین سال بماند چنانکه عمر خیام^۱ در کتاب معروف خود ، نوروز نامه ، به این امر اشاره نموده است :

«سلطان سعید معین الدین ملکشاه را انار الله برهانه ازین حال معلوم کردند. بفرمود تا کبیسه کنند و سال را بجایگاه خویش باز آرند. حکما عصر از خراسان بیاوردند و هر آلت که رصد را بکار آید ساختند از دیوار و ذات الحلق و مانند این و نوروز را به فروردین بردند»^۲.

طبق سال جلالی سال را به دوازده برج یا دوازده ماه می روزه قسمت میکردند و پنج روز اضافی را که خمسۀ مسترقه یا پنجه دزدیده می نامیدند به آخر آخرین ماه یعنی اسفند ماه اضافه میکردند. ابتدای این تاریخ روز جمعه و مطابق با هیجدهم فروردین سال یزدگردی بود و آنرا اول فروردین ماه جلالی یا نوروز سلطانی مینامیدند. این هیجده روز را کبیسه و مبدأ این تاریخ را ۱۶۳۱۷۳ روز بعدتر از مبدأ تاریخ یزدگردی قرار دادند. نامها و ترتیب ماه های این سال با نامها و ترتیب ماه های سال یزدگردی فرقی نداشت بجز اینکه در آخر این ماه ها کلمه «جلالی» را اضافه میکردند تا با ماه های قدیم ایرانی اشتباهی رخ ندهد.

سال ایلخانی یا سال غازانی : بدستور غازان خان (۶۹۴-۷۰۳هـ) در ایران مقرر

۱- ریاضی دان ، هیئت دان و شاعر معروف دوره ملکشاه سلجوق عمر خیام نیشاپوری یکی از هیئت دانان بزرگ آندوره بود که در سال ۴۷۱ هجری بدستور ملکشاه تقویم متداول را اصلاح کردند و تقویم جلالی را وضع نمودند.

۲- رک : عمر خیام ، نوروز نامه ، ص ۱۸.

گردید.^۱ اول سال شمسی غازانی مصادف بود با اول سال ۷۰۱ هجری قمری. بنا بگفته مؤلف کشف :

«بی تفاوتی همان تاریخ ملکی است چه از جهت مبدأ، چه از جهت ماه ها و ابتدای آن در سال ۲۲۴ تاریخ ملکی است و آغاز این تاریخ روز دوشنبه بوده است».^۲ ولی ابوالفضل در اینمورد با او اختلاف دارد چنانکه از بیان زیر او عیانست :

«نام ماه ها همان ترکی است بافزایش لفظ خانی».^۳

مؤلف گاه شاری در ایران قدیم نیز قول ابوالفضل را بطور غیر مستقیم تأیید میکند :

«سال غازانی ماههای مخصوص با اساسی دیگر ندارد ولی بعدها در تقویم ها دیده میشود که ماههای سال غازانی را به اساسی ترکی ثبت کرده اند».^۴

سال جدید ایران : در سال ۱۹۲۵ میلادی که مصادف بود با ۱۳۴۳ هـ.ق/ ۱۳۰۴ ش سال جدیدی در سرتا سر ایران جاری شد که در آن اول بهار یعنی اول فروردین را آغاز سال رسمی کشور قرار دادند ولی بر عکس سال قدیم (سال جلالی) که دوازده ماه سی روزه با اضافه پنج روزاضای در آخر سال یا در آخر یکی از ماه ها داشت سال جدید را بر اساس شش ماه اول ۳۱ روزه و پنج ماه آخر ۳۰ روزه و آخرین ماه ۲۹ روزه و در صورت سال کیبسه ۳۰ روزه قرار دادند و بر آن شدند که بجای هر چهار سال یک بار مانند سال جلالی در آغاز هر سال مطابق حساب دقیق نجومی اصلاح لازم را بعمل میآورند. اساسی و ترتیب ماه های این سال عیناً مثل ماه های جلالی است.

سال شاهنشاهی : در پایان ذکر سالهای قدیم و جدید ایرانی برای تکمیل فایده اشاره مختصری به سال شاهنشاهی ایران بعمورد نباشد. شرح کامل و اطلاعات دقیق درباره آن مستلزم کنجکاوی و بررسی و فرصت بیشتری میباشد که متأسفانه نگارنده در حال حاضر ندارد.

شاهنشاهان جهان و مستبدان دوران در هر زمان سودای خام بقای نام و شهرت دوام را در سر داشته اند. شاهنشاه مستبد و مخلوع ایران محمد رضا پهلوی نیز که

۱- این تاریخ یا سال دولتی بود و در مورد امور مذهبی تا پایان دوره ایلخانی (۷۳۶ هـ) سال هجری قمری کما فی السابق رواج داشت.

۲- رک : احمد جودت ، کشف اصطلاحات الفنون ، ج ۱ ، ص ۶۶ (بنقل از لغت نامه دهخدا ، ص ۱۵۸).

۳- رک : ابوالفضل ، آئین اکبری ، جلد اول ، صفحه ۲۷۷.

۴- رک : سید حسن تقی زاده ، گاه شاری در ایران قدیم ، ص ۱۶۴.

در حال حاضر در بدر و خاک بسر می‌گردد و بانتظار مرگ در حال آوارگی بسر میرد این سودا را در سر داشت . او که مانند پدرش رضا خان خودش را از باز ماندگان شاهنشاهان پهلوی (هخامنشی) و امود میکرد ، برای تحکیم و تثبیت مبنای شاهنشاهی خود سال ۱۳۵۰ هـ/ ۱۹۷۱ م را سال کوروش بزرگ اعلام نمود و جشن دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران را برگزار کرد که بالاخره برای خودش و خانواده اش نفوست و عواقب وخیمی ببار آورد . او بمناسبت همین جشن شاهنشاهی سال شاهنشاهی را اختراع نموده سال رسمی کشور ایران قرارداد و سال جنوس کوروش بزرگ ، مؤسس شاهنشاهی ایران ، را مبدأ سال شاهنشاهی اعلام کرد.

تاریخ جهان شاهد آنست سالهای شاهنشاهی مثل سال اسکندری ، سال جلالی ، سال اکبری ، سال شاهجهانی و امثال آنها دوام ندارند و فقط سالهای زنده و پاینده می‌مانند که نسبت به پیغمبران ۴ و برگزیدگان خدا دارند. در سال اخیر نهضت عظیم و بیسابقه جهان در ایران برهبری کم نظیر سلطان دلها و درویش بی ریا حضرت آیت الله العظمی امام خمینی علیه شاه خائن برپا شد و بمصدق جاء الحق و ذق الباطل سال شاهنشاهی ناپدید و سال هجری (شمسی) از نو پا برجا گردید.

اجمالی از گاه شماری شبه قاره هند و پاکستان : مانند سایر ملتهای قدیم مردم این سر زمین با هیئت و گاه شماری علاقه مفراطی داشته اند زیرا این شبه قاره یکی از قدیمترین مهد های فرهنگ و تمدن بوده است.

سال قدیم هند و پاکستان : سال مردم این شبه قاره در ازمنه قدیم مانند اغلب ملل باستانی سال قمری بود ولی بعدها با گذشت زمان یا بر اثر همسایگانی مثل ایران و افغانستان قمری شمسی و ۳۶۰ روزه شد . این سال دوازده ماه سی روزه و یک ماه اضافی بعنوان ماه کیبسه داشت که دو سال در میان تکرار میشد . در ابتداء مانند اغلب ملل هند و اروپائی بدو فصل که هر یک مشتمل بر ۱۸۰ روز بود ، قسمت میشد و این دو قسمت شش ماهه با اسم هیا (زمستان) و سا (تابستان) موسوم بودند ولی بعدها

۱- از عهد سلطان محمود غزنوی (۳۸۷-۴۲۱ هـ) گرفته تا چندی پیش افغانستان که هنوز زیر سلطه استعمار گران سوشیالیست شوروی نیامده بود این کشور اسلامی همیشه در داخل حوزه فرهنگی ایران یا مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان بوده و در اینجا سال هجری شمسی رایج بوده البته اسامی ماه ها که مطابق با اسامی بروج دوازده گانه بوده با اسامی ماه های ایران فرق داشته است. اسامی ماه های افغانی بدینقرار بود : حمل ، ثور ، جوزا ، سرطان ، اسد ، سنبله ، میزان ، عقرب ، قوس ، جدی ، دلو ، حوت.

بر اثر ورود آریائی ها در این سر زمین، مانند سال اوستائی قدیم مبدل به شش فصل شدند. البته شش فصل هندی بر عکس فصول ششگانه ایرانی باهم برابر یعنی هر یکی از آنها دو ماهه بودند. این شش فصل عبارت بودند از :

۱- وسنت (بهار). ۲- گریشم (تابستان) ۳- ورشا (پرشگال) ۴- سرد (خزان) ۵- همنت (زمستان) ۶- سیسیرا (فصل خنک و معتدل)؟.

سال بکر می : هندویان همیشه آفرینش جهان یا جلوس راجه جد هشتی یا جلوس بکرماجیت یا جلوس بهجیانندن یا جلوس ناکا ارجن را سرآغاز تاریخ خود قرار میداده اند. از میان همه این سرآغاز ها جلوس راجه بکرماجیت از همه بیشتر در میان هند و یان محبوبیت دارد. موقع جلوس اکبر بزرگ (۹۶۳ هـ) از جلوس راجه بکرماجیت ۴۶۵ سال گذشته بود. این سال بنام بکر می معروف است و تا کنون مورد استفاده هندو هاست اساسی ماه های بکر می بقرار زیر است :

چیت ، بیساک ، جیت، اسار ، ساون ، بهادون ، کنوار ، کاتک ، اکن ، پوس ، ماگه ، پهاگن. ۳

سال الهی (اکبری) : سالی است که یکی از شاهنشاهان تیموری شبه قاره هند و پاکستان بنام جلال الدین محمد اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) احداث کرد.

چنانکه قبلاً اشاره نمودیم در قسمت اعظم شبه قاره مخصوصاً در مالوه و دهلی و توابع آن از دوران باستان سال بکر می رواج داشته است. علاوه بر آن در بهار سال از جلوس لجهمن ، برادر کوچک رام چندر یکی از پیغمبران هنود ، شروع میشد و در دکن و گجرات سال سالباهن رواج داشت و در کوت کانگره سال از سال جلوس راجگان محلی آنجا آغاز میگشت. ۴

هنگام استقرار سلطنت مستقل اسلامی در این سر زمین توسط یکی از غلامان شهاب الدین غوری ، قطب الدین ایبک ، در سال ۶۰۲ هـ سال هجری قمری بعنوان سال رسمی سلطنت تازه بنیاد اسلامی اتخاذ گردید و احتمالاً تا روی کار آمدن تیموریان در ۹۳۲ هـ مدار کار بود چنانکه از تواریخی مانند تاج المآثر ، خزائن الفتوح ، طبقات ناصری ، تاریخ فیروز شاهی ، تاریخ مبارکشاهی ، تاریخ محزن افغانی و امثال آنها که در این دوره نوشته شد ، بر میآید.

۱- آریائیها در حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح (ع) میل آسا و موج در موج از راه ایران و افغانستان وارد شبه قاره هند و پاکستان شدند.

۲- رک : تتی زاده ، گاه شاری ، ص ۸۳.

۳- رک : ابوالفضل ، آئین اکبری ، ج ۱ ، ص ۲۶۹.

۴- رک : محمد حسین آزاد ، دربار اکبری ، ص ۸۱۳.

بظن قوی ظهیر الدین بابر در آغاز دوره تیموریان هند و پاکستان (۹۳۲-۱۲۷۴هـ) که در واقع دنباله تیموریان سمرقند و هرات بود، سالی را بعنوان سال رسمی اتخاذ نمود که در خود ایران رایج بود. این سال همان سال ایلخانی بود که یکی از اسلافش، الغ بیگ بن شاهرخ بن امیر تیمور، با اصلاحات جزئی بنام سال جدید گورکانی در قلمرو خود معمول ساخته بود و در آن زمان در قسمت اعظم ایران رواج داشت چنانکه خودش در شرح حال خود مینویسد:

«الغ بیگ مرزا به این رصد زیچ گورکانی را نوشته که حال این زیچ معمول است و بزین دیگر عمل نکنند. ازین پیش زیچ ایلخانی معمول بود که خواجه نصیر الدین در زمان هلاکو خان در مراغه رصد بسته بود»^۱

اکبر شاه، نوۀ بابر شاه، با وجودیکه علاقه او به هیئت و ستاره شناسی باندازه پدرش هایون^۲ نبود، در سال ۹۹۳ هـ هیئت دانان و ریاضی دانان معروف کشور را برباست میر فتح الله شیرازی^۳ دور هم جمع کرد که برای عملی ساختن خواهش دیرینه اش سال تازه ای اختراع نمودند و آنرا مانند دین الهی^۴ او سال الهی نامیدند. میر فتح الله شیرازی اساس این سال را بر اساس زیچ جدید گورکانی نهاد و سال جلوس اکبر بزرگ (۹۹۲ هـ) را مبداء سال الهی قرارداد. مؤثق ترین اطلاعات درباره این سال اطلاعاتی است که ابوالفضل علامی، وزیر معروف او، در تألیف منیف خود، آئین اکبری، فراهم ساخته است. او در اینمورد مینویسد:

«از دیرباز سریر آرای اقبال بران بود که در آباد بوم هندوستان تازه سال

۱- شاه رخ پسر امیر تیمور بجای سمرقند (شوروی) هرات (افغانستان) را پایتخت سلطنت تیموری قرار داد که در سال ۹۱۱ هجری بدست شاه اسمعیل، مؤسس سلسله صفویان ایران، افتاد و تقریباً بیست سال بعد از سقوط هرات یکی از اخلاف امیر تیمور، ظهیر الدین محمد بابر، در شبه قاره هند و پاکستان سلسله با شکوه تیموریان را بنیان گذاشت که بیش از سه قرن دوام داشت.

۲- رک: ظهیر الدین محمد بابر، عبدالرحیم خانخانان، توزک بابری، چاپ بمبائی، ص ۳۱.

۳- برای کسب اطلاع درباره علاقه فوق العاده هایون به هیئت رک به: قانون هایونی تألیف خواند میر.

۴- برای کسب اطلاع درباره میر فتح الله شیرازی رک به: دربار اکبری، ص ۶۷۳-۶۸۴.

۵- دین تازه ای بود که اکبر شاه باتلفیق دادن ادیان مختلف شبه قاره بصورت ملغوبه ای در آورده بود.

و مه بروی کار آید و دشواری بلمانی گراید. . . در نهصد و نود و دوی هلالی . . . یادگار پیشین حکماء گزیده دودمان دانش امیر فتح الله شیرازی در انجام این کار همت بست و بزنج جدید گورکافی اساس بر نهاد و اورنگ نشینی افسر خدیو را سر آغاز گرت. . . سال و مه شمسی حقیقی شد و کبیسه از میان برافتاد و نام ماه و روز فارسی بحال خود گذاشتند و شماره روزهای ماه از بیست و نه تا سی و دو باشد و دو روز پسین را بروز شب نامزد ساختند»^۱

دو اینجا شایسته تذکر است که چون مانند سال جلالی یا سال ملکشاهی در این سال مبدا تاریخ هجری را کنار گذاشته بودند سال الهی در میان عموم مسلمانان مورد قبول واقع نشد و بعد از وفات اکبر بزرگ (۱۰۱۴ هـ) مانند دین الهی او بزودی از بین رفت.

سال الهی (شاهجهانی): شاهجهان نوه اکبر شاه نیز مانند پدر بزرگش به تاریخ و تاریخنویسی و معماری و امثال آنها به انجام دادن کارهایی که متضمن بقای نام و شهرت دوام بود، علاقه فوق العاده ای داشت و در اینمورد خواه نخواه از او پیروی میکرد مثلاً بنا بخواجهش او آرامگاه ممتاز محل (تاج محل) در مقابل آرامگاه هایون، شاهجهان نامه در مقابل اکبر نامه و سال الهی شاهجهانی در مقابل سال الهی اکبر شاهی بوجود آورد. بنا به پیشنهاد پدرزن و وزیر خود، آصف خان، دستور داد که سال جدیدی بنام او وضع کنند. احتال می‌رود که وضع کننده سال شاهجهانی فریدالدین مسعود بن ابراهیم دهلوی، تهیه کننده زیج شاهجهانی^۲، بود. این سال شاهجهانی که مبدأ آن سال جلوس شاهجهان (۱۰۳۷ هـ) بود مانند سال اکبری بر اساس محاسبات نجومی و ریاضی زیج جدید گورکافی یا زیج الخ بیگی تعیین شده بود. این سال شاهجهانی نیز مانند سال اکبری در میان مردم شبه قاره هند و پاکستان دوام پیدا نکرد.

سال محمد شاهی: از مطالعه تواریخ اصیل فارسی شبه قاره هند و پاکستان برمیآید که در اینجا علاوه بر یک سال اصلی یک سال فرعی نیز مورد استفاده مردم عامه و مقامات دولتی بوده و این سال فرعی دوشادوش سال اصلی بکار میرفته است. منظور از سال فرعی سالی است که از سال جلوس پادشاهی تازه شروع و معمولاً با سال قتل یا وفات یا خلغ او از سلطنت خاتمه پیدا میکرد و با روی کار آمدن جانشینش از نو با نام پادشاه نوین شروع میشد و همینطور این قبیل سالهای مخصوص و محدود با آغاز و پایان

۱- رک: ابوالفضل، آئین اکبری، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۲- زبجی است که منجم دربار شاهجهان، فرید دهلوی، در سال ۱۰۳۹ هـ تهیه کرد. برای اطلاع بیشتری درباره زیج شاهجهانی و مولفش رک: عبدالحمید لاهوری، پادشاه نامه، ج ۱، ۹۷.

پادشاهی پادشاهان نو به نو شروع و ختم میگردد. البته بعضی از پادشاهان تیموری مانند اکبر بزرگ (۹۶۳-۱۰۱۴هـ)، شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۷هـ) و محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) در مورد ترویج سال جلوس خود اهتمام خاصی ورزیدند و در راجع نگهداشتن آن اقدامات لازم بعمل آوردند و آثار مستقل و پاینده ای مربوط به این سالها مانند تاریخ الفی^۱، زیج شاهجهانی یا کارنامه صاحبقران ثانی و زیج محمد شاهی از خود بیادگار گذاشتند.

مانند اسلاف ایرانی یعنی تیموریان ایران (۷۷۰-۹۱۱هـ) تیموریان شبه قاره هند و پاکستان (۹۳۲-۱۳۷۴هـ) نیز علاقه فوق العاده ای به علم هیئت و گاه شاری داشتند. از میان آنها نصیر الدین محمد هایدون پسر ظهیر الدین محمد بابر از همه ممتاز بود.^۲ پس از وفات هایدون (۹۶۳هـ) کسی که از میان آنها بیش از همه به این علم علاقه نشان داد محمد شاه تیموری (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) بود. در زمان او علاوه بر دهلی در شهرهای مختلف قلمرو او از قبیل جی پور، متھرا، بنارس و اجین رصد خانه ها احداث گردید که در آنها دانشمندان مسلمان و هندو و فرنگی کار میکردند و بسیاری از آثار عربی مربوط به علم هیئت را بفارسی ترجمه نمودند.^۳ معروفترین هیئت دانان ایندوره راجه جی سنگھ^۴ بود که در نتیجه تشریک مساعی با دانشمندان بومی و خارجی پس از مقابله با زیج کورکانی الغ بیگ و زیج دوره اکبری ملاچاند و زیج شاهجهانی ملا فرید و غیره و مقایسه با اصول گاه شاری اروپائی زیج جدیدی بنام زیج محمد شاهی در سال ۱۱۴۰هـ تهیه و به محمد شاه تقدیم نمود.

۱- علت تسمیه این بود که قرار بود این تاریخ شامل حوادث هزار ساله جهان اسلامی بعد از هجرت پیغمبر^۵ باشد. از بعضی قرائن حس میشود که بمناسبت آغاز قرن یازدهم هجری بزعم خویش، اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴هـ) میخواست سال نو (سال الهی)، تاریخ هزار سال گذشته (تاریخ الفی) و کیش و آئین نو (دین الهی) را به آیندگان هدیه کند.

۲- تمام مؤرخین قدیم از علاقه هایدون به علم هیئت و ریاضی اعتراف نموده و ذوق او به این علم را ستوده اند مثلاً بدایونی مؤلف منتخب التواریخ (رک: ج ۱، ص ۶۷) میگوید: در علوم نجوم و هیئت و سایر علوم غریبه بی نظیر و نیز نظام الدین هروی مؤلف طبقات اکبری (رک: ج ۲، ص ۱۸۴) میگوید: «در علم نجوم و ریاضی بی بدل بود».

۳- رک: صباح الدین، بزم تیموریه، ص ۳۱۴.

۴- برای کسب اطلاع بیشتری درباره راجه جی سنگھ رک به: مصمصام الدوله شاهنواز، مآثر الامرا، ج ۲، ص ۸۱.

محمد شاه غالباً بر اساس همین زیج جدید سال محمد شاهی را بنا نهاد و سال جلوس خود (۱۱۳۱ هـ) را سر آغاز یا مبدأ این سال قرار داد. بسیار جای تعجب است که سال محمد شاهی برخلاف معمول مدتی مدید بعد از محمد شاه نیز در میان مردم این سامان معمول بود چنانکه از عبارت آغاز یکی از نسخ خطی کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور پیداست. این عبارت چنین است :

«استخراج تقویم آفتاب بتاریخ ۲۷ ماه صفر ۱۲۶۱ هجری مطابق با ۱۳۰ محمد شاهی»^۱

از بعضی قرائن معلوم میشود که در دوره تیموریان هند و پاکستان (۹۳۲ تا ۱۲۷۴ هـ) سال هجری شمسی و سال هجری قمری هر دو معمول بود. در تواریخ ایندوره معمولاً هر دو سال همزمان با یکدیگر بچشم میخورد چنانکه از اقتباسات زیر ترک جهانگیری تألیف نور الدین محمد جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) برمیآید :

«سنت پدرم این بود که هر سال دو مرتبه مطابق سال شمسی و سال قمری خود را وزن میفرمودند و شاهزاده را در همین سال شمسی بوزن در می آوردند»^۲
«عمر من به چهل و شش سال و چهار ماه شمسی و چهل و هفت سال و نه ماه قمری رسید»^۳

بظن قرین یقین میتوان گفت که سال هجری شمسی بعد از دوره اکبری یعنی از دوره جهانگیری^۴ (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) بعد سال رسمی دولت تیموری شبه قاره و سال هجری قمری سال غیر رسمی یا سال مذهبی مسلمانان و سال بکرمی سال مذهبی هندویان^۵ بود. همینطور مسیحیان^۶ و پارسیان^۷ این مملکت که شامل شبه قاره هند

۱- رک : نسخه خطی دانشگاه پنجاب بعنوان نسخه جات تقویمات تألیف وتهیل داس (بقل از فهرست سید جمیل رضوی در شماره حاضر).

۲- رک : نورالدین محمد جهانگیر ، توزک جهانگیری ، ص ۵۶.

۳- رک : ایضاً ، ص ۱۵۲.

۴- در ایندوره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران در شبه قاره هند و پاکستان باوج اعتلا رسید.

۵- مردمی که قبل از ورود مسلمانها در این شبه قاره زندگی میکردند.

۶- یعنی هلندی ها ، پرتغالیها ، فرانسوی ها و انگلیسی ها که بندرهای مهم شبه قاره را اداره میکردند.

۷- موقع حمله اسکندر به ایران از آجا فرار کرده و در نقاط ساحلی شبه قاره مستقر شده بودند.

و پاکستان و افغانستان بود، بطور غیر رسمی و هنگام اعیاد و جشنهای ملی خود بترتیب سال مسیحی و سال زرتشی با سال فرس قدیم یا سال یزدگردی و اقلیت کوچکی از یهودیان سال یهودی یا سال سوسوی را بکار میبردند.

خلاصه از استقرار دولت اسلامی در سال ۵۴۰ تا انقراض سلسله تیموریان و سقوط دهلی بدست انگلیسیان (۱۲۷۴هـ) سال هجری قمری همزمان با هجری شمسی بعنوان سال رسمی دولت بکار میرفت البته در بعضی از دوره ها مانند دوره اکبری دوره جهانگیری، دوره شاهجهانی و دوره محمد شاهی سالهای مثل سال الهی (اکبری) سال شمسی ایرانی، سال الهی (شاهجهانی) و سال محمد شاهی رواج بیشتری داشت. بعقیده راقم این سطور با افول کردن آفتاب اقتدار تیموریان بزرگ (۹۳۲-۱۱۱۸هـ) آفتاب اقتدار سال هجری شمسی نیز بتدریج روبه افول نهاد و حتی در ادارات دولتی نیز سال هجری قمری منحصراً مورد استفاده قرار گرفت.

رواج سال مسیحی: بدبختانه بعلمت ضعف و اضمحلالی که با گذشت زمان در طی قرون گذشته در سطوح مختلف در میان مسلمانان شبه قاره ایجاد شده بود سلطنت با شکوه آنان که در ۵۴۰ توسط قطب الدین ایبک استقرار یافته و تا ۱۲۷۴هـ/ ۱۸۵۷م با بر جا بوده است، از دست آنان بدر رفته بدست انگلیسی ها در آمد که بتدریج بجای مال هلالی (هجری قمری) سال مسیحی را جایگزین آن ساختند.

پاکستان - وارث سنتهای فرهنگی سلطنت اسلامی شبه قاره هند و پاکستان: خدا را شکر که مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان در نتیجه رهبری دور بینانانه راهبرانی مثل سید جمال الدین و علامه اقبال و قائداعظم و کوششهای مردانه مردمان این سامان تقریباً نود سال پس از انقراض سلسله تیموریان هند و پاکستان در سال ۱۲۷۴هـ/ق/ ۱۸۵۷م در سال ۱۳۶۶هـ/ق/ ۱۹۴۷م از یوغ اسارت سیاسی انگلیسیان در آمدند و بعنوان وارث میراث فرهنگی و حافظ سنن و روایات دیرینه دینی و سیاسی و اجتماعی مسلمانان دوره سلطنت با شکوه هند اسلامی (۶۰۴-۱۲۷۴هـ/ق/ ۱۲۰۶-۱۸۵۷م) بصورت یک کشور مستقل اسلامی پاکستان را بوجود آوردند تا بتوانند طبق فرموده قائداعظم در آنجا مطابق با سنن و روایات ملی خود زندگی کنند.

فتدان تقویم ملی پاکستان: میهن عزیز ماخیلی وقت است که استقلال سیاسی را بدست آورده ولی بسیار جای تأسف است آنطوریکه باید و شاید در تحصیل استقلال فرهنگی و اجتماعی موفق نشده است. متأسفانه در پاکستان که در واقع دنباله و ضمیمه سنن

۱- نخستین شش پادشاه تیموری که عبارتند از: بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاهجهان، اورنگ زیب.